

# های است



سالن‌ها با ظرفیت پر به اجرا نمی‌رسیدند.

## دلیل این اقبال کم‌رادر چه می‌دانید؟

اوضاع نابه‌سامان است و فشار روی مردم به قدری زیاد شده است که مردم زمانی برای تخصیص دادن به هنر پیدا نمی‌کنند. در این شرایط بیش از بقیه، هنرمندان کارشان تحت الشعاع قرار گرفته است، بیشتر دوستانی که در این شغل به صورت حرفه‌ای فعالیت می‌کردند به شغل‌های کاذب دیگر روی آورده‌اند. من در گذشته آنقدر سرم شلوغ بود که فرصت پذیرفتن کار جدید را پیدا نمی‌کردم اما از روزهای سخت کرونا تا به حال برهوتی شکل گرفته که قابل قیاس با گذشته نیست. گویا هنرمندان در این برهه زمانی به کلی فراموش و یا رها شدند و به قدری درگیر مشکلات و ضررهای اقتصادی در آن دوره شدند که هنوز نتوانسته‌اند ضررهای سال‌های از دست رفته را جبران کنند و به تئاتر بازگردند.

## تحریم هنرمندان تئاتر از سوی برخی مخاطبان و گاه بعضی هنرمندان را چقدر در این اتفاق سهمیم می‌دانید؟

غمی که در جامعه شکل گرفته عمومی است. مخصوصاً غم از دست دادن عزیزان که فاجعه است. من فرزند شهید هستم علاوه بر پدرم، عمو و دایی خود را در جنگ از دست داده‌ام، به همین خاطر برایم کاملاً قابل درک است که خانواده‌های داغدار در هر دوره و شرایطی چه عذابی را در هر لحظه متحمل می‌شوند. برای گذشته نمی‌توان کاری کرد تنها با طلب صبر برای همه ایرانیان می‌توان دعا کرد که به آرامش گذشته برگردند و شرایط طوری رقم بخورد که دیگر کسی آسیب نبیند. اما به طور اعم، مردم رفاه می‌خواهند و دیگر تحمل فشار را ندارند.

## صحبت پایانی

ما دوست داریم هنر ماندگار شود چرا که تنها رسانه ایست که می‌تواند بیشترین تاثیر را در جامعه ایجاد کند و بهترین ابزار برای ارتباط گیری با مردم است. از نظر من فعلاً هنر مرده است و ما منتظر تولد دوباره آن در شکلی شگرف‌تر از گذشته هستیم.

سختی‌های کار بود. که همکاری کامل و تخصص باقی دوستان در سایر زمینه‌ها باعث شد، نمایشی منسجم و ژانریک از وحشت را ارائه بدهیم.

## داستان نمایش درباره چیست؟

داستان درباره چند دوست دانشجو است که در یک دورهمی با ترغیب دو تن از دوستان دست به شوخی‌های وحشتناک زده و کم‌کم این شوخی‌ها به جنایت و قتل منتهی می‌شود تا جایی که به طرز وحشیانه‌ای به سلاخی یکدیگر روی می‌آورند. تا اینکه در پایان مشخص می‌شود این اتفاقات با نقشه قبلی و در توطئه‌ای از قبل شکل گرفته و برنامه ریزی شده است. این متن نمایشی نیم‌نگاهی به فیلم جیغ دارد و از آن اثر اقتباس گرفته است.

## شنیدن این نمایش رادیویی برای مخاطبان چگونه میسر است؟

معمولاً آثار منتخب رادیویی از سایت رادیو نمایش ایران، بارگزاری خواهد شد.

## امسال چندمین حضورتان را در جشنواره تئاتر فجر تجربه کرده‌اید؟

دومین حضورم است، که بواسطه اثر پذیرفته شده به بخش مسابقه در جشنواره حضور دارم، تجربه قبلی ام مربوط به سال ۱۳۹۱ بود که در آن سال هم موفق به جایزه بازیگری زن در بخش رادیویی شدم.

## قیاس‌تان به جشنواره امسال نسبت به سال‌های گذشته چطور است؟

استقبال کمتر شده است، من در تجربه‌های قبلی از سال‌های گذشته در خاطر دارم که ظرفیت سالن‌ها به قدری مملو از جمعیت بود که بعضاً امکان ورود برای مهمانان ویژه هم میسر نبود و همچنین برای گرفتن بلیط تماشای اجراها مخاطبان به مشکل برمی‌خوردند. اما امسال با وجود اینکه اجرا برای عموم آزاد تعریف شده بود، باز هم

گرفتن امتیازهای بیشتر بتوانند دامنه حمایت‌های خود را افزایش دهند، اعم از حمایت‌های مالی به گروه‌های نمایشی در اجرا و بیمه، همچنین صندوق‌ها شرایط اخذ وام‌های کم بهره را برای هنرمندان را آسان‌تر کرده‌اند، من در استان خوزستان با پیگیری کوتاهی توانستم وام مربوطه را اخذ کنم.

## سحر حاجی آقاسی:

### منتظر تولد دوباره هنر هستیم

**لطفاً در ابتدا از سابقه خود در زمینه تئاتر و نمایش بفرمائید؟**  
من از سال ۱۳۸۶ وارد این حوزه شدم و تا به امروز ۳۶ اجرای صحنه‌ای تئاتر دارم. از سال ۱۳۸۸ فعالیت جدی‌ام در حوزه نمایش رادیویی در قزوین و تهران آغاز شد، در سال ۱۳۹۱ در بخش رادیو تئاتر فجر جایزه بازیگری زن را برای نمایش رادیویی «یک دروغ زیبا» کسب کردم.

## موضوع نمایش رادیویی جیغ چیست؟ از کاراکتر خودتان در این اثر بگوئید؟

نمایش جیغ به کارگردانی و تهیه‌کنندگی رضا دادشی است که موفق شد در بخش صدابرداری، تهیه‌کنندگی و بازیگری مرد اول مرد و زن جایزه بگیرد. این نمایشنامه یک اثر خارجی نوشته کوین ویلیامسون است که برگردانی آن به نمایشنامه رادیویی توسط ایوب آقاخانی انجام شده است. این نمایش در ژانر وحشت است و تهیه و تولید آن بسیار پیچیده و سخت بود، چرا که در فضاسازی شنیداری باید تمام المان‌های وحشت و فضای رعب‌انگیز را انعکاس می‌دادیم. که بحمدالله در پایان مخاطب کاملاً با این اثر ارتباط حسی منسجم برقرار کرد و موفق شدیم که ترس و وحشت را کاملاً با تصویرسازی صدایی ایجاد کنیم، این نمایشنامه در لوکیشن‌های مختلفی می‌گذشت و باید این تغییر فضا برای شنودگان نمایش رادیویی تعریف می‌شد. بیشترین بار هیجانی و تعلیق کار بر صحنه‌های تعقیب گریز قاتل زنجیره‌ای در پی قربانی بود که عمدتاً با صدایی از محیط چرخ‌های گاری و قاطر همراه می‌شد تا رسیدن به ضرباهنگ نهایی لحظات انجام قتل، همه و همه از